در احادیث وارد شده است مخصوص بوقتی از اوقات نیست و گفت الذکر الخ
ورد فضله غیر مخصوص بوقت ولا بسبب ولا بمکان لا اله الا الله هو افضل الذکر
یعنی باب بجهة ذکر است این درجات دیگر نیست که وارد شده است فضیلت آن ذکر
در احادیث در ان حال که آن فضل یا آن ذکر مخصوص نیست بوقتی از اوقات
ونه بسببی از اسباب ونه بمکانی از اماکن پس قوله الذکر خبر هذا است که محذوف است
ولفظ غیر حال است از فضله یا از ضمیر فضله که مضاف الیه است ویحتمل که الذکر مبتدا
باشد وخبرش کلمه توحید است ذکری که موصوف است بصفت مذکوره لا اله الا الله است
ای کلمه توحید سابق که عبارت است از شهادتین و لهذا بعض محققان گفته اند که کلمه لا اله
الا الله در شریعت لقب است که [illegible] است بر نطق هر دو کلمه شهادت زیرا که در سنن
ترمذی مرویست از جابر رضی الله عنه که رسول خدا فرموده است که کلمه توحید که معتبر است
باد و اعاخر من افضل انواع ذکر است که سبب دخول در اسلام و موجب وصول بدار
ایمان که سرمایه تمام سعادتهاست همین کلمه است و لفظ سنن ترمذی اینست افضل
الذکر لا اله الا الله وافضل الدعاء الحمد لله پس قوله هی افضل الذکر نقل بالمعنی است
و الفاظی که بقرآن کرده اند مندفع است زیرا که این کلمه از جمله قرآنست قال تعالی فاعلم
انه لا اله الا الله پس احتیاج نیست بسوی جواب بعض شارحان که کلمه توحید افضل هر
ذکری است که غیر قرآنست بقرینه لام عهد وهی افضل الحسنات یعنی در
مسند امام احمد مرویست از ابی ذر رض که رسول خدا فرموده است که ان کلمه لا اله الا الله
افضل تمام حسنات قوله است این قول نیز نقل بالمعنی است اسعد الناس بشفاعتی
یوم القیمة من قال لا اله الا الله خالصا من قلبه او نفسه یعنی در صحیح بخاری مرویست که رسول
خدا فرموده است که نیک بخت ترین مردمان بشفاعت من در روز قیامت کسی است

که گفته

که گفته است کلمه توحید را قبل دل علی اشتراط النطق بالتوحید در ان حال که خالص است
ومخلص از دل خود یا از نفس خود کلمه او برای شک [illegible] است و در روایتی دیگر از ابوهریره است
رضی الله عنه خالصا من قبل نفسه قبل بکسر قاف وفتح موحده بمعنی جانب است ای گفته است آن
کلمه را در ان حال که خالص است از جانب نفس خود ای باختیار خود از غیر اکراهی و ریائی و سمعه
قال العسقلانی المراد بهذه الشفاعة بعض انواعها وهی التی یقول صلی الله علیه وسلم
امتی امتی فیقال له اخرج من النار من کان فی قلبه وزن کذا من الایمان فاسعد
الناس بهذه الشفاعة من یکون ایمانه اکمل واما الشفاعة العظمی فی الاراحة من کرب
الموقف فاسعد الناس بها من یسبق الی الجنة وهم الذین یدخلونها بغیر حساب
ثم الذین یلونهم وهم الذین یدخلون الجنة بغیر عذاب بعد ان لم یستوجبوا العذاب
ثم من یصیبه لفح النار ولا یسقط فیها انتهی کلامه قاضی بیضاوی گفته است که اسعد اینجا
بمعنی سعید اذ لم یسعد بشفاعته من لم یکن من اهل التوحید محل کلام است زیرا که لفظ
اسعد از رسول خدا اشارتست بسوی تفاوت مراتب اهل توحید در سبقت بدخول
جنت به سبب تفاوت مراتب ایشان در اخلاص و خلوص عقیدت و لهذا تاکید
فرموده است بقوله خالصا من قلبه با آنکه محل اخلاص همین قلب است پس اسعد مضاف
بسوی ناس بمعنی تفضیل است نه بمعنی سعید و نیز شفاعت رسول خدا بتخفیف عذاب
ثابت بعض کفار مانند ابوطالب بصحت پیوسته و مندفع است قول بعض شراح
نیز که اسعد بمعنی سعید است لکون الکل مشترکون فی شرطیة الاخلاص زیرا که
ازین اشتراک لازم نمی آید که تفاوت در مراتب اخلاص نباشد یخرج
من النار من قال لا اله الا الله وفی قلبه وزن شعیرة من خیر او ایمان ویخرج من النار
من قال لا اله الا الله وفی قلبه وزن برة من خیر او ایمان ویخرج من النار من قال لا اله الا الله وفی قلبه وزن